

از ملاقات‌هایی‌که نیروهای حزب‌الله با ایشان داشتند آن‌ها چه بازخوردهایی به حضرت‌عالی گزارش می‌دادند. به لحاظ علمی، اخلاقی و معنوی چه تأثیری می‌پذیرفتند؛ حضرت‌عالی به‌عنوان شخصیتی که علما را می‌شناسید با مسائل اخلاقی و معنوی مأثوس هستی‌د طبیعی‌است که به‌این مسائل حساس و هستید و تأثیرات این‌طور افراد را به‌وضوح درک می‌کنید. از افراد عادی که با ایشان ملاقات داشتند چه باز‌خوردی دیدید؟

طبیعتاً همه کسانی که در دیدارهای ایشان شرکت می‌کردند، اعم از طلاب علوم دینی، علما، کاردار، برادران، خواهران، دانشجویان و رزمندگانی که به گروه‌های نظامی وابسته‌اند، می‌دانستند و و همان اول در برابر چه شخصیتی نشست‌اند می‌پنداشتند، بلکه ایشان را مقدس می‌دانستند. این تأثیر گذار است. خود این پیش‌زمینه ذهنی از کسی که با او ملاقات می‌کنند، اثر خودش را می‌گذارد. وقتی در مجلس او حاضر می‌شدند،

باز خوانی گفت ووی تفصیلی حجت‌الاسلام والمسلمین مجتبی مصباح یزدی با شهید سید حسن نصرالله – ۶

نیاز جامعه اسلامی به امثال علامه مصباح

ارامش و سکوت حکمفرما بود و همه سراپا گوش

بودند تا از لحظه‌لحظه وقت استفاده کنند. جلسه با ایشان، شکوه خاصی داشت؛ همه مخاطبان و حضار، سخنرانی را که با آنان سخن می‌گفت، در سطح بالایی از ارزش و احترام می‌دیدند. به همین دلیل آن‌ان تحت تأثیر همه گفته‌های آیت‌الله مصباح قرار می‌گرفتند و هرچه می‌فرمود، می‌پذیرفتند و براساس آن عمل می‌کردند. این تا مدت‌ها در زندگی‌شان تأثیر می‌گذاشت. این چیزی بود که ما می‌دیدیم و برادران آن را برای من نقل می‌کردند. طبیعی است براساس آنچه شنیده‌ام، آن‌ها بسیار به وجد می‌آمدند.

این تأثیر شخصی است. مثلاً هنگامی که شخصی از شخص دیگر می‌شنوند که قرار است آیت‌الله مصباح بیاید و با شما دیدار کند، تصویر خاصی در ذهن ترسیم می‌کنند.

اما تأثیرگذارترین چیز، تواضع عجیب ایشان بود. هستند کسانی که مثلاً دانشجو یا شهردار یک شهر کوچک یا کدخدای منتخب روستا یا کارمند دولت هستند و مشکل تکبر دارند؛ یعنی خود را برتر از دیگران می‌دانند. آنان با قیقه، فیلسوف و عالمی با این عظمت و شکوه دیدار می‌کردند و آیت‌الله مصباح با نهایت تواضع، نهایت محبت و نهایت مهربانی با ایشان رفتار می‌کرد. بدون اینکه صحبتی کرده باشند، این رفتار بسیار مؤثر بود. همه تأییداتی که از ایشان نقل می‌کنند، بسیار عمیق و تأثیرگذار بود. در ملاقات‌هایی که **با آیت‌الله مصباح** داشتید، نکاتی راجع به مقاومت یا **حزب‌الله** یا اعتقادات دینی می‌فرمودند. آیا هیچ‌گاه احساس کردید که با دیدگاه‌های خودتان یا دیدگاه‌های امامین انقلاب تفاوتی داشته باشد؟

هرگز، هیچ‌گاه! ما همیشه این تطلق از حس می‌کردیم. البته مقایسه‌کردن ما با ایشان درست



نیست. او استاد بود و ما شاگرد. اما تا آنجا که می‌دانیم، بین آنچه از ایشان شنیده‌ایم و آنچه از اسام خمینی و امام خامنه‌ای می‌دانیم هماهنگی کامل و تطابق برقرار است. **این عقیده شخصی شماست یا کسانی هم بوده‌اند که تفاوتی هم بگذارند؟**

در حزب‌الله همه درباره احساس قدردانی، احترام، پذیرش، محبت و تسلیم به علامه مصباح اتفاق‌نظر دارند. ما از ابتدا بر این باور بودیم که ایشان فقهی‌ی والا مقام و فیلسوف و متفکری بزرگ هستند و این باب با شما سخن بگوید. در این موضوع «او» شروع‌کننده بود. اما در موضوعات دیگر، تو باید سؤال می‌کردی.

در حزب‌الله همه درباره احساس قدردانی، پذیرش، محبت و تسلیم به علامه مصباح اتفاق‌نظر دارند. ما از ابتدا بر این باور بودیم که ایشان فقهی‌ی والا مقام و فیلسوف و متفکری بزرگ هستند و این امروزه فقدانی عظیم در جهان اسلام است. امروزه فقیهانی داریم؛ ممکن است متکلمانی داشته باشیم؛ مفسران قرآنی داشته باشیم؛ ممکن است فیلسوفانی داشته باشیم؛ لکن ما حقیقتاً به اندیشمندانی نیاز داریم که تولیدکننده باشند یا به تعبیر حضرت آقا «تولید علم» کنند؛ انقلاب فکری ایجاد کنند و به شیوه علمی از اسلام دفاع کنند.

فیلسوفانی داشته باشیم؛ مفسران قرآنی داشته باشیم؛ ممکن است متکلمانی داشته باشیم؛ لکن ما حقیقتاً به اندیشمندانی نیاز داریم که تولیدکننده باشند یا به تعبیر حضرت آقا «تولید علم» کنند؛ انقلاب فکری ایجاد کنند و به شیوه علمی از اسلام دفاع کنند.

به سؤال‌های مهمی که امروزه مطرح است پاسخ بدهند؛ سؤالاتی که بدون جواب مانده‌اند. این کار یک اندیشمند است و به نظر بنده و به نظر برادرانم با توجه به بررسی‌هایی که انجام دادیم، ایشان یک اندیشمند کم‌نظیر بود. امید داریم که

پاورقیResearch@kayhan.ir

یک قرآن بود؛ مصحف شریف. جناب سید با آرامشی بدون اینکه جلب توجه بشود، از جا بلند شدند، قرآن را بوسیدند و قرآن را جای بالایی گذاشتند تا جایی که جای است. قرآن نباشد و احترام قرآن حفظ شود. برداشت توجه قلبی شما و احترام شما به قرآن در آن شرایط خاص برای ما نقل می‌کردند و از صفای باطن حضرت‌عالی می‌گفتند. طبعاً کسانی که به مسائل معنوی این‌طور توجه دارند، این جزئیات و دقائق را می‌بینند و از همدیگر متوجه می‌شوند. می‌خواهم ببینم که حضرت‌عالی درباره ایشان چه نکته‌ای دارید. این توجهات آیت‌الله مصباح نشانه تسلط روحی ایشان بر شرایط بود.

یعنی ما که «روحان کوچک است» متوجه نمی‌شویم. این نشان می‌دهد که‌ه او وقتی در جایی حضور دارد، خرد، جان و روح ایشان بر همه این جزئیات اشرف دارد و به آن‌ها احاطه دارد و در کشان می‌کند، و این دلیل کافی برای پاسخ به سؤال شماست.

از آخرین دیدار تان با آیت‌الله مصباح چه خاطراتی دارید؟ در آن سفر بنده هم خدمتان شرفیاب شدم. یکبار حضرت‌عالی تشریف آوردید برای دیدار ایشان و یک بار هم ایشان آمدند خدمتتان. علت اینکه شما تشریف آوردید چه بود و ایشان برای چه منظوری آمدند به آن جلسه؟

اینجانب در وهله اول به احترام خود ایشان و پاسداشت مقام علمی و برای ابراز ارادت، خدمت ایشان رسیدم. این بسیار طبیعی است، به‌ویژه آنکه ایشان دعوت ما را پذیرفته بودند و سختی راه را تحمل کرده و به خواش ما به لبنان تشریف آورده بودند. بنابراین، وظیفه اخلاقی من بود که در این سفر خدمتشان برسم.

و اما دیدار ایشان در واقع برای دیدار با برادران مجاهد بود. من خودبین نیستم و نمی‌خواستم به تنهایی از محضر آیت‌الله مصباح استفاده کنم. همیشه مشتاق بودم که دیگران هم از محضر ایشان بهره‌برند. همان‌طور که شما هم در جلسه ملاحظه کردید، وقتی آیت‌الله مصباح تشریف آوردند، من در جلسه فقط فتح باب کردم برای سؤال؛ و بقیه وقت را برای سؤالات برادرانم قرار دادم. و ایشان به زبان عربی صحبت کردند. بسیار زیبا هم صحبت می‌کردند.

برخی از برادران ایرانی به‌گونه‌ای عربی صحبت می‌کنند که گاهی قلم فهم است و گاهی نیست؛ مانند بعضی فارسی‌صحت‌کردن‌های من. لکن آیت‌الله مصباح عربی را به‌گونه‌ای بسیار زیبا صحبت می‌کردند و جملات را به‌صورت صحیح بیان می‌کردند و جملات و تلفظشان به کلی بدون اشکال بود. به همین دلیل، یکی از دلایل اقبال برادران به ایشان این بود که وقتی عربی صحبت می‌کردند، بدون واسطه کلام ایشان را می‌فهمیدند. وقتی مترجم در میان است، نمی‌دانید که این مترجم چه چیزی فهمیده است و چگونه آنچه فهمیده بازگو می‌کند؛ او چیزی را ترجمه می‌کند که فهمیده است، نه آن چیزی را که گوینده اصلی مثلاً آیت‌الله مصاح می‌گوید.الحمدلله عربی ایشان انصافاً زیبا بود.

شما بار کردند. و شما آن را از ترقیات پهلوی و پیشرفت‌های کشور تشخیص دادید درحالی‌که بین شما اشخاصی بودند که خون‌دل می‌خوردند و از ترس سرنیزه نمی‌توانستند نفس بکشند.»^۶ در این قانون اساسی به مقاصد دوره پهلوی و فسادهای گسترده اجتماعی که به‌صورت سیستماتیک در جامعه ترویج می‌شد، خطاب به حکمی‌زاده و کسروی که مجیزگویان دیکتاتوری رضاخان و پسرش بودند، می‌گوید: «باید توقع داشت که در محافل روحانی، این دولت را دولت حقه بشناسند!»^۷

باز خوانی زمینه‌های فکری و سیاسی کتاب «کشف اسرار» امام خمینی (قدس‌سره)– ۱۶

تقد رژیم پهلوی و طرح ایده حکومت اسلامی

سهراب مقدمی شهیدانی

پیدا نکند و رأی این هیئت علما در این باب مطاع و متبع خواهد بود. و این ماده تا زمان ظهور حضرت حجت عصر(عج) تغییر‌پذیر نخواهد بود.^۲ ایشان به مقاصد دوره پهلوی چنین اشاره می‌کنند و ابتدای این فهرست را با اشاره به صدر حکومت آغاز می‌کند و با نام بردن از دربار، وزارتخانه‌ها، ارتش، مدیران ادارات، مجلس شورای ملی از مردم دعوت می‌کند که به این جاها سرکشی کرده تا «افکار متشتته و خیالات درهم‌برهم و آرا و عقاید مخالف یکدیگر و نفع‌طلبی‌ها و شهوترانی‌ها و بی‌عفتی‌ها و جناحکاری‌ها و خیانت‌کاری‌ها و هزارها چیز دیگر را به چشم باز تماشا کنید....

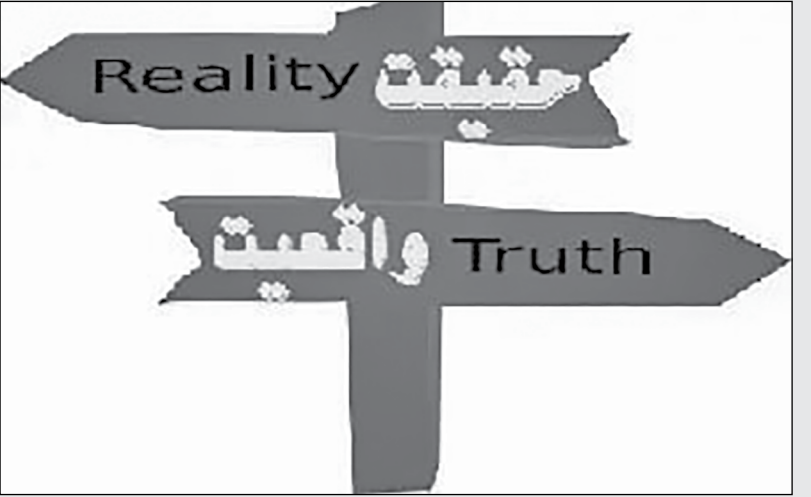
تمدن و تعالی مملکت را به لخت‌شدن زن‌ها در خیابان‌ها می‌دانند... این‌قدر قوه تمیز ندارند که کلاه لگنی را که پس‌مانده درندگان اروپاست، ترقی کشور می‌دانند... این‌قدر حس و شعور خود را در مقابل اجانب از دست دادند که در وقت، هم تقلید از آنها می‌کنند... طهر تهران را به تقلید از اروپا بیست دقیقه قبل از اصلاح‌و نهادهای خورش به روسیه شناخته‌شد. از با قواعد اسلامی بر عهده علمای اعلام ادام‌الله‌برکات وجودهم بوده و هست لهند! رسماً مقرر است در هر عصری از اعصار، هیئتی که کمتر از پنج نفر نباشد از محتپدین و فقهای متدبیین که مطلع از

فصل بیست‌وچهارم
در نورفولک، ویرجینیا، دختری بود که از مردی به اتهام تجاوز شکایت کرده بود. قاضی از او پرسید: «این تجاوز کی اتفاق افتاده؟» دختر پاسخ داد: «کی اتفاق افتاده آقای قاضی؟ لعنت خدا بر او باد، تمام تابستان تجاوز بود و تجاوز بود و تجاوز.»

مایکل جوسلسون ۱۹۶۶، سازمان سیا دریافت که مجله «ژمپارتس» مستقر در کالیفرنیا در حال پیگیری سررنخ‌هایی از شبکه سازمان‌های پوششی این سازمان است. «ریچارد هلمز»، معاون بخش برنامه‌ریزی، بلافاصله یک دستیار ویژه را مأمور کرد تا «اطلاعاتی درباره رمپارتس،

بیشتری نیز با مساعدت «افی‌آی» به آن افزوده شده بود. هلمز که متقاعد شده بود «ژمپارتس» به‌عنوان ابزاری در دست شوروی مورد استفاده قرار می‌گیرد، دستور بررسی کامل از منابع مالی آن را صادر کرد، اما نتوانست هیچ مدرکی دال بر دخالت خارجی بیابد. پس از مطالعه پرونده ژمپارتس، دستیار ریاست‌جمهوری، پیتز جساب، یادداشتی با عنوان به یادماندنی «مشت راست اضریه کاری ا بر گیجگاه چپ» نوشت: «با توجه به تعهد ژمپارتس به تخریب و لجن‌مال کردن دولت و پیشینه مبهم حامیان آن جای تعجب است که هیچ‌یک از نهادهای امنیتی در حال پیگیری ماجرا از‌رابطا مجله با عوامل خارجی ا نیستند.»

جنگ سرد فرهنگی؛ سازمان سیا در عرصه فرهنگ و هنر– ۲۰۲حقیقت از روزنه رَمپارتسی



یک هفته بعد، مجله «هیومن ایونتس» با انتشار مطلبی تخریب‌آمیز با عنوان «در درون مجله «ژمپارتس» چه می‌گذرد» به میدان آمد. نویسندگان این مجله با عناوین تحقیرآمیزی چون «فضول‌ها» و «نامتعادل‌ها»، «آدم‌های بذله‌گو» و «چپ‌های نوظهور ریشو» که «سواس خروخ از ویتنام» را دارند، معرفی شدند. این مقاله که با نام امام، مورتون امضا شده بود– «اسم مستعار یک متخصص در امور امنیت داخلی»- همه نشانه‌های یک

با وجود شرارت‌های سازمان سیا، مجله ژمپارتس زنده ماند تا داستان را روایت کند. بالاخره چیزی که سازمان سیا از آن واهمه داشت، اتفاق افتاد و ژمپارتس در آوریل ۱۹۶۷تحقیقات خود را در مورد عملیات مخفی این سازمان منتشر کرد. یافته‌های این مجله به سرعت در روزنامه‌های سراسری بازتاب یافت و به دنبال آن «جشنواره افشاگری» به راه افتاد.

خودتان مشغول نگه‌داشته و منافع و افتخارات‌تان را به تاراج ببرد: «از دور با چشم استهزا به شماها نگاه می‌کردند و به کارهای کودکانه شما می‌خندیدند. شما با یک کلاه لگنی دور خیابان‌ها قدم می‌زدید و با دخترهای برهنه سرگرم بودید و به این وضع افتخار می‌کردید. غافل از آن‌که در سرتاسر کشور افتخارات تاریخی شما برندن و سرتاسر کشور منابع ثروت شما رفت و در دیا تا دریای شما را زیر پا درآوردند!»^۱ و با یک خط سرتاسری^۲ شما بر به این روز نشانددن.^۳



طرح ایده حکومت اسلامی به نحو تفصیلی آن هم در دوران خفقان بار عصر پهلوی، از ابتکارات امام خمینی است که با توجه به زمینه‌های سیاسی و تاریخی آن، بسیار قابل ارج‌گذاری است. آیت‌الله مهدوی کنی در تحلیل این مسئله چنین می‌فرماید: «من پس از آشنایی با امام خمینی در یک سفر به ایران، به او پیشنهاد دادم که کتابش را برای من بخواند. پس از مطالعه این کتاب درک کردم که ایشان با رژیم پهلوی سخت مخالف است، چون مطالب تندّی علیه رضاخان در این کتاب است، چون مطالب تندّی علیه رضاخان در این کتاب آورده بود.»

طرح ایده حکومت اسلامی به نحو تفصیلی آن هم در دوران خفقان بار عصر پهلوی، از ابتکارات امام خمینی است که با توجه به زمینه‌های سیاسی و تاریخی آن، بسیار قابل ارج‌گذاری است. آیت‌الله مهدوی کنی در تحلیل این مسئله چنین می‌فرماید: «من پس از آشنایی با امام کتاب کشف اسرار ایشان را خواندم. پس از مطالعه این کتاب درک کردم که ایشان با رژیم پهلوی سخت مخالف است، چون مطالب تندّی علیه رضاخان در این کتاب آورده بود.»^{۱۵}

صفحه ۶

چهارشنبه ۱۰ دی ۱۴۰۴
۱۰ رجب ۱۴۴۷ – شماره ۲۴۰۴۴

انتشار مخفیانه توسط سازمان سیا را در خود داشت، همچنین مقاله هفته‌نامه نیوز–ویکلی که در همان هفته با عنوان «صحنه‌گردان اصلی رمپارتس چه کسی است؟» منتشر شد و نیز مقاله‌ای در واشگتن استار همین ویژگی را داشت. هر دو آنها «تردیدهای جدی درباره حسن‌نیت» ژمپارتس مطرح کردند و این مجله را نه فقط یک «افشاگر فساد»، بلکه به عنوان یک «افشاگر فساد با انگیزه‌ای بدخواهانه» توصیف کردند.

برای بیش از یک سال، سازمان سیا همه‌کار برای به زیر کشیدن «رمپارتس» کرد. «من انواع حقه‌های کثیف را برای آسیب‌زدن به تیراز و منابع مالی آنها در به کار بستم» معاون بازرس کل، «دادگار ایل‌وایت»، بعدها اعتراف کرد. «مدیران ژمپارتس در برابر باج‌گیری آسیب‌پذیر بودند.»^۱

چیزهای هولناکی در سر داشتیم که برخی از آنها را عملی کردیم... این واقعیت که سازمان سیا [طبق قانون] هیچ نقش امنیتی داخلی در ایالات‌متحده ندارد او نباید داشته باشد، بلکه مأموریت آن فرامرزى است، به هیچ وجه مانع ما نبود.»

شگفت اینکه، با وجود شرارت‌های سازمان سیا، مجله ژمپارتس زنده ماند تا داستان را روایت کند. بالاخره چیزی که سازمان سیا از آن واهمه داشت اتفاق افتاد و ژمپارتس در آوریل ۱۹۶۷ تحقیقات خود را در مورد عملیات مخفی این سازمان منتشر کرد. یافته‌های این مجله به سرعت در روزنامه‌های سراسری بازتاب یافت و به دنبال آن «جشنواره افشاگری» به راه افتاد و یکی از تحلیلگران را به این نتیجه رساند: «دیری نخواهد پایید که هر انجمن سیاسی، بنیاد خیریه، انجمن دانشگاهی و تیم بیسبال در آمریکا به عنوان سازمان پوششی برای سازمان سیا شناسایی خواهند شد.»^{۱۸}

البته فقط سازمان‌های پوششی داخلی آمریکا افشا نشدند. با افکار شدن جزئیات حمایت مالی سازمان سیا از «کنگره آزادی فرهنگی» و مجلات وابسته به آن، همه آنچه که اوبراین درباره مجله اینکوانتر گفته بود، درست به نظر می‌رسید. اسپندر که در زمان افشاگری هنوز در ایالات متحده بود، بلافاصله اشفته و سرکشته شد. جوسلسون و لاسکی، که متناصل از مهار او بودند، به آیزایا برلین متوسل شدند که مشهور بود تأثیر آرام‌بخشی بر خلق و خوی استیون دارد.»

او در آن زمان در سی تی نیویورستی نیویورک تدریس می‌کرد.

پانوش‌ها:

۱– سازمان سیا از آنها آتو داشت. اطلاعاتی محرمانه آن آنها داشت، که آنها را در برابر باج‌گیری آسیب‌پذیر می‌کرد.

۲– یعنی موجی از افشاگری‌ها به راه افتاد.

حجت‌الاسلام سیداحمد خمینی در مقاله‌ای به برخی پیامدهای نگارش کشف اسرار پرداخته و ضمن بازخوانی برخی فرازهای مهم کتاب، طرح مباحث حکومت اسلامی در دوران خفقان بار پهلوی و در فضا ایستکوت و مخالفت برخی روحانیون و مباحث سیاسی صریح را بسیار حائز اهمیت می‌داند و چنین می‌نویسد: «این کتاب پرخاشی است علیه زور و تجاوز و بی‌دینی با اینکه در ۴۰ سال قبل نوشته‌شده ولی با مقایسه با کتاب‌ها و روزنامه‌های ۴۰ سال قبل از نثری خوب برخوردار است. در این کتاب به مسائلی برمی‌خوریم که معلوم است امام از همان موقع در فکر حکومت اسلامی بوده‌اند... در مباحث گوناگون این کتاب برمی‌خوریم به حملات خیلی تند به حکومت رضاخان. این را نباید فراموش کرد که روحانیون در چهل سال قبل نوعاً کاری با این کارها نداشته‌اند. در زمانی امام این مطالب را گفته‌اند که بسیاری روحانیون دخالت در این امور را حرام می‌دانستند؛ نه‌تنها آن موقع، حتی وقتی امام شروع به مبارزه کردند– سال ۴۲ می‌گویم– در آن موقع هم عدای از خدا بی‌خبر گفتند که امام از روحانیون و حوزه علمیه قم نیست.»^{۱۶}

بی‌نوشت‌ها:

۱. «جایگاه و تأثیر کتاب کشف اسرار امام خمینی(ره) در تحولات سیاسی تاریخ معاصر ایران»، ناصر جمال‌زاده و میثم آقاداتی، فصلنامه رهیافت انقلاب اسلامی، س۳، ۹ش، تابستان ۱۳۸۸، ص۸۹.
۲. کشف اسرار، ص۲۲۲.
۳. همان، ص۲۲۱. امام خمینی در ص ۲۴۰ از همین کتاب، عبارتی قریب به این مضمون را تکرار کرده‌اند.
۴. همان، ص۲۲۵.
۵. همان، ص۲۲۵.
۶. همان، ص۲۲۵-۲۲۴.
۷. همان، ص۲۲۳.
۸. کشف اسرار، ص۲۲۲.
۹. ر.ک: تاریخ مشروطه ایران، ص۲۷۲، متمم قانون اساسی مورخ ۱۴ دی‌الذی‌عقدالاجرام ۱۳۲۴، مندرج در مجموعه مصوبات ادوار اول و دوم قانون‌گذاری مجلس شورای ملی، ص۱۶-۱۵.
۱۰. همان، ص۲۲۲.
۱۱. همان، ص۲۲۹.
۱۲. اشاره به اشغال ایران در جنگ جهانی دوم از دریای خزر در شمال تا خلیج فارس در جنوب که توسط متفقین اشغال شده بود.
۱۳. اشاره به آداهن سرتاسری شمال به جنوب که بهره آن را انگلیسی‌ها و شوروی‌ها (متفقین) در جنگ جهانی دوم بردند و هزینه‌های آن از جیب ملت ایران داده می‌شد.
۱۴. همان، ص۲۲۴.
۱۵. خاطرات آیت‌الله مهدوی کنی، ص۹۹.
۱۶. «سیری در کشف اسرار و حکومت اسلامی»، سیداحمد خمینی، مجله پاسدار اسلام، شماره۷، تیر ۱۳۶۱، ص۲۲-۲۳.